



نگرانی و اعتراض فرانسوی‌ها به افزایش حامیان لوپن

دبروز(شنبه) تجمعات اعتراض‌آمیز متعدد علیه «مارین لوپن» نامزد حزب راست‌گرای تندرو «مجمع ملی» در خیابان‌های پاریس و شهرهای بزرگ فرانسه شکل گرفت و به همین منظور پلیس فرانسه نیروهای خود را در مناطق حساس مستقر کرده بود. به گزارش فرانس ۲۴، هفت روز مانده به دور دوم انتخابات ریاست جمهوری فرانسه و ...

صفحه ۱۱

مجلس سعی دارد دامن خود را از طرح صیانت پاک کند

توپ «محدودسازی» در زمین دولت و شورای فضای مجازی

صفحه ۲۴

توپخانه روسیه به مراکز تسلیحاتی اوکراین حمله کرد

آتش انتقام مسکو از کی یف

✓ جنگ اوکراین تا پایان سال ۲۰۲۲ طول می‌کشد

صفحه ۱۱

معاون وزیر آموزش و پرورش اعلام کرد

حضور ۹۰ درصدی دانش آموزان

در مدارس

✓ ۷ درصد به علت بیماری

و ۳ درصد به دلیل ترس خانواده «غایب» هستند

صفحه ۴

نشنال اینترست مطرح کرد

نیاز بایدن

به عبور از میراث ضدبرجامی ترامپ

صفحه ۳

آسمان کرمان تیره و تار شد

ریزگردهای وطنی

در کرمان جولان می‌دهند

صفحه ۷



افزایش قیمت‌ها ادامه دارد

رسیدن نرخ سه نوع برنج ایرانی به ۱۰۰ هزار تومان

صفحه ۵

سر مقاله



متصور فرزمازی

دولت و توجه به دو رکن اساسی

است، مطبوعاتی که در چارچوب قانون می‌نویسند و دارای هویت قانونی بر مبنای آزادی قلم و بیان و مبتنی بر قانون و حقوق و بازتاب‌دهنده افکار عمومی‌اند چنین رسانه‌هایی البته هم افکار عمومی را جهت درست می‌دهند و هم به قول امیرکبیر: «هدایت عقول مردم را برعهده دارند.» در این صورت به سود دولت است که از تحلیل‌های عالمانه و نقدهای منصفانه آن‌ها به‌عنوان یک راهبر در تدبیر کشورداری استفاده کند.

پس دولت باید در ارتباط دوسویه، هم در تقویت بنیان آن‌ها بکوشد و هم حامی ادامه کارشان باشد و در ارتباط دوسویه، هم چسبستی افکار عمومی و خواسته‌ها و باورها و حساسیت‌ها و رضامندی یا ناخشنودی‌ها را در آینده این افکار ببیند و هم با ارسال گزارش عملکردهای خود، از طریق رسانه‌ها، افکار عمومی را افتاح و متقاعد نماید و با همین ابزار ارتباطی مردم را برای کمک به دولت به صحنه بیاورد که چنین کاری برای دولت سیزدهم که از حمایت اقلیت برخوردار است، یک اصل اساسی است تا با امید بخشیدن به جامعه نامید، به تقویت اعتماد عمومی بپردازد. و از سوی دیگر، روزنامه‌های مستقل با نقد و تحلیل‌های درست و علمی، عسای دست هر حکومتی و حاکمیتی خواهند بود در این صورت ناموفق آن دولتی است که از سر بدبینی این نموده‌های افکار عمومی و نقدوتحلیل‌ها را در زمره دشمنان ببیند، و میل به رسانه‌هایی کند که به‌جای نقد و تحلیل، می‌کوشند تا همه امور را مطلوب و مشرووع پیش چشم دولت بیاورند و

ازهر بیان نقدی و از هر قصور و تقصیری، وی را در اجرا مبسرا ببانند و علاوه بر آن کار دیگر چنین رسانه‌هایی، در برج عاج نشاندن حکومت و حاکمیت و گل و بلبل نشان دادن اوضاع به‌پیش چشمان اوست کنش‌هایی که در مسیر تاریخ چه حکومت‌هایی را که دچار زوال و اضمحلال نکرده است تا آنجا که حکومت و حاکمیت و حاکمان، موقعی برده خوش‌بینی را از پیش چشمان خود کنار زده‌اند که تغاری شکسته و ماستی ریخته بوده است.

بنابراین و به صورت مصداقی، نیاز دولت رئیسی به چرب‌زبانی‌ها و مدیحه‌سراییه‌ها و خوش جلوه دادن‌ها و سفیدنمایی‌ها نیست و آن‌ها که با قلم و تریبون و بیان، چنین می‌کنند، نه دوست دولت‌اند و نه صدیق ملت و توجهی هم به حدیث «المؤمن مرأت المؤمن» ندارند. بلکه مقصود و مقاصد آن‌ها از این دلواپسی‌ها، کلسی و «تعل کردن خر کریم» است و نان خورش چرب و نرم!

مقایسه زندگی چنین رسانه‌ها و تریبون‌هایی با مطبوعات مستقل و اهالی قلم و بیان آن‌ها، گویای حقایق مبرهن و مدلل است. به‌همین دلیل و دلایل بالا، دولت و اعضای صدر تا به ذیل آن نیاز مبرمی به نشست‌های ماهانه با اهالی رسانه و با همه تکتک و سلاطین دارند. مشروط به این‌که چنین نشست، گزینشی و یک‌سویه نباشد. این نشست‌ها سویی دوجانبه خواهد داشت و به‌غیراز تقویت و تثبیت کار دولت و معرفی و برجسته کردن اقدامات مثبت او به ادامه کار رسانه‌های مستقل نیز کمک خواهد نمود.

یادداشت



محمدجواد بهلوان

رئیس جمهور و مشاوران

است و نه حواله دادن مشکلات به قبلی‌ها. نیک آن است که دولت محترم عاقلانه و منطقی تصمیم بگیرد. عاقلانه و منطقی یعنی بدین شکل که بدون توجه و نگرانی از رفتار تندروها هرچه زودتر وضعیت بلا تکلیف سیاست خارجی و برجام را مشخص و به سرمنزل مقصود برساند. دولت حتی اگر احساس کرد تیم فعلی مذاکره ناتوان است از تیم قبلی از جمله محمد جواد ظریف و عراقچی کمک بخواد تا منافع ایران و ملی تامین شود. از سرکوفت‌ها و ملامت‌ها چه پاک و قنسی لیخند رضایت بر لبان مردم کشورمان نشانده شود. رئیس‌جمهور اگر برای خدمت به مردم و فدا شدن آمده باید اختلاف نظرهای سیاسی را به کناری نهاده و از همه تفرکات برای رهایی از وضعیت فعلی دعوت نماید.

فصل فعلی بسر اقتصاد کشور بیش از آنکه محصول چند دستور غلط باشد که نیازمند اصلاح باشد نمره تحریم‌های کم‌رشدن است. اگر قفل

یادداشت



غلامرضا فاردانی

با آمدن سال نو و فصل جدید همه انتظار تحول دارند البته به زبان، همه آن را آرزو می‌کنند اما آنچه واقعا دل را شاد می‌کند آن است که در میدان و صحنه عمل تحول را ببینند.

مردم وقتی به میدان می‌روند و می‌بینند که قیمت‌ها نه آنچنانی که مسئولان گفته‌اند بالا رفته و گاهی پرواز کرده است شادی سال نو به تلخی تبدیل می‌شود. اگر قیمت چند کالای اساسی را به زور پایین نگهدارند کافی نیست، بقیه هزینه زندگی را چه باید کرد. هزینه مسکن و اجاره آن که بماند. من چند نمونه را که خود شاهد بوده‌ام را بیان می‌کنم و قطعاً هر کسی شواهدی در این مورد دارد:

چند روز به عید مانده رقیمت میدان تخم مرغ بخرم گفتند تا ۱۴ فروردین تخم مرغ نیست. گفتم مگر این ایام مرغ‌ها تخم نمی‌گذارند؟

قیمت سیب و پرتقال را همه در میدان دیده‌اند حدود ۱۴ هزار تومان به بالا بود وقتی آن را با آن بحث داغ سازمان تعاونی در سیما در قبل از عید می‌سنجیم که بحث گران خریدن آن سازمان بود و قرار بود که پیگیری قضایی شود و نرخ میوه در ایام عید به نرخ مصوب باشد و نشد، آدم متوجه می‌شود که ظاهر کار درست دیگری است. حال چه میالغ میلیاردی چه کسانی به جیب زده‌اند خدا می‌داند. در محله یوسف‌آباد در کنار پارکی یک ساختمان دو قلو با طبقات فراوان ساخته شده که هنوز تکمیل نشده است. قبل از عید چراغ‌های فراوانی تمام طبقات آن را شب و احياناً روز روشن می‌کرد. با وعده‌هایی که نسبت به نرخ ترجیحی برق داده شد چند روزی برق‌ها خاموش شد و من گفتم حتماً این از اثر این تصمیم‌گیری است اما مجدداً دیدم که نه تنها آن چراغ‌ها روشن شده بلکه نور هم‌سقیم، گفتار درمانی و دستور درمانی راه حل این اضافه شده و متوجه شدم که میدان کار خودش را می‌کند و به گفته‌ها و تصمیمات مقامات کاری ندارد. کاری بانکی داشتم رقیمت بانک و پرسیدم این وام بدون ضامن چیست و چگونه پرداخت می‌شود گفتند باید از بانکی که حقوق می‌گیری پرسرسی. رقیمت آن بانک، گفت معدلت چند است گفتم معدل

خبر

مزیت قابل توجه اهدای خون که از آن بی‌اطلاع بودیم

فلوروالکبیل(PFAS) اظهار نظر کنند و این مواد گاهی با عنوان «مواد شیمیایی همیشگی» خوانده می‌شوند زیرا به نظر می‌رسد که در طبیعت تجزیه نمی‌شوند. محققان ۲۸۵ آتش‌نشان را که در سازمان آتش‌نشانی ویکتوریا در استرالیا کار می‌کردند مورد بررسی قرار دادند.

این افراد هم خون و هم پلاسماي خود را در طول یک سال اهدا کرده بودند. آتش‌نشان‌ها به طور معمول در نتیجه استفاده از فوم آتش‌نشانی

می‌آیند و با قیمت‌های گران کمر شکن است. بیمه‌هایی که وجود دارند همکاریشان پس از وقوع واقعه است آن هم با کسورات و تأخیرات و رفت و برگشت‌ها و تکمیل اسناد مثبت. خدا می‌داند چه بر سر مردم می‌آید.

شما به هر جا بروید همینطور است. در خرید کالاها با آن همه تأکید بر تقویت اجناس داخلی و ایرانی به هر فروشنده‌ای مراجعه کنید سخن از ساخت زاپن و سوئیس و اتریش و فرانسه و غیره می‌کنند. تازه اگر ببینند تسو طرفدار جنس ایرانی هستی می‌گویند این اصل جنس از خارج است ایران مونتاژ می‌شود. حتی داروخانه‌ها هم اول می‌گویند خارجی را می‌خواهی یا ایرانی.

ایسن افزایش حقوق‌ها با تورم نمی‌خواند و تعدیل حرف‌هایی می‌زنند و میدان کار دیگری می‌کنند. تصمیمی که گرفته شد تا حقوق کارگران برایشان انجام شود. اما یکی از آنها که گوش به حرفم داد پس از چندین ماه گفت برای تقاضای من ابطال آمده. گفتم برای چه؟ گفت: «گفتند تو مثلاً باید در شهر پرند یا پردیس ۵ سال ساکن باشی. من که با پدر و مادرم سال‌ها در یک محیط کوچک زندگی می‌کنم چگونه می‌توانم از چنین امتیازی استفاده بکنم». نتیجه اینکه باید قولنامه‌های صوری ساخته شود و به بازرس‌ها هم باج بدهند تا بتوانند چنین امری برای عده‌ای خاص و شاید رانتخواهر تحقق یابد. از پزشکی و بیمارستان که نرس. خدا نکند کار کسی به بیمارستان برای عمل بيفتند. آن هم در ایام تعطیل! حرف اول را میدان بیمارستان می‌زند، این قول‌ها و وعده‌های صدا و سیما. اولین حرف آنها این است که پول فراهم کن. آنچه حرف اول و آخر را می‌زند پول است و پول. هر شب در بیمارستان چند میلیون. آنچه بیشتر شنیده می‌شود: «ما با بیمه قرارداد نداریم. مسئولیت هر اتفاقی با خودت هست و باید امضا کنی! داروهای کم پیدا یا ناپیدا را خودت فراهم کن. تکنی از صنف نوبت خارج می‌شوی!». داروهایی که به زحمت به دست

می‌آیند و با قیمت‌های گران کمر شکن است. بیمه‌هایی که وجود دارند همکاریشان پس از وقوع واقعه است آن هم با کسورات و تأخیرات و رفت و برگشت‌ها و تکمیل اسناد مثبت. خدا می‌داند چه بر سر مردم می‌آید. شما به هر جا بروید همینطور است. در خرید کالاها با آن همه تأکید بر تقویت اجناس داخلی و ایرانی به هر فروشنده‌ای مراجعه کنید سخن از ساخت زاپن و سوئیس و اتریش و فرانسه و غیره می‌کنند. تازه اگر ببینند تسو طرفدار جنس ایرانی هستی می‌گویند این اصل جنس از خارج است ایران مونتاژ می‌شود. حتی داروخانه‌ها هم اول می‌گویند خارجی را می‌خواهی یا ایرانی. ایسن افزایش حقوق‌ها با تورم نمی‌خواند و تعدیل حرف‌هایی می‌زنند و میدان کار دیگری می‌کنند. تصمیمی که گرفته شد تا حقوق کارگران برایشان انجام شود. اما یکی از آنها که گوش به حرفم داد پس از چندین ماه گفت برای تقاضای من ابطال آمده. گفتم برای چه؟ گفت: «گفتند تو مثلاً باید در شهر پرند یا پردیس ۵ سال ساکن باشی. من که با پدر و مادرم سال‌ها در یک محیط کوچک زندگی می‌کنم چگونه می‌توانم از چنین امتیازی استفاده بکنم». نتیجه اینکه باید قولنامه‌های صوری ساخته شود و به بازرس‌ها هم باج بدهند تا بتوانند چنین امری برای عده‌ای خاص و شاید رانتخواهر تحقق یابد. از پزشکی و بیمارستان که نرس. خدا نکند کار کسی به بیمارستان برای عمل بيفتند. آن هم در ایام تعطیل! حرف اول را میدان بیمارستان می‌زند، این قول‌ها و وعده‌های صدا و سیما. اولین حرف آنها این است که پول فراهم کن. آنچه حرف اول و آخر را می‌زند پول است و پول. هر شب در بیمارستان چند میلیون. آنچه بیشتر شنیده می‌شود: «ما با بیمه قرارداد نداریم. مسئولیت هر اتفاقی با خودت هست و باید امضا کنی! داروهای کم پیدا یا ناپیدا را خودت فراهم کن. تکنی از صنف نوبت خارج می‌شوی!». داروهایی که به زحمت به دست

می‌آیند و با قیمت‌های گران کمر شکن است. بیمه‌هایی که وجود دارند همکاریشان پس از وقوع واقعه است آن هم با کسورات و تأخیرات و رفت و برگشت‌ها و تکمیل اسناد مثبت. خدا می‌داند چه بر سر مردم می‌آید. شما به هر جا بروید همینطور است. در خرید کالاها با آن همه تأکید بر تقویت اجناس داخلی و ایرانی به هر فروشنده‌ای مراجعه کنید سخن از ساخت زاپن و سوئیس و اتریش و فرانسه و غیره می‌کنند. تازه اگر ببینند تسو طرفدار جنس ایرانی هستی می‌گویند این اصل جنس از خارج است ایران مونتاژ می‌شود. حتی داروخانه‌ها هم اول می‌گویند خارجی را می‌خواهی یا ایرانی. ایسن افزایش حقوق‌ها با تورم نمی‌خواند و تعدیل حرف‌هایی می‌زنند و میدان کار دیگری می‌کنند. تصمیمی که گرفته شد تا حقوق کارگران برایشان انجام شود. اما یکی از آنها که گوش به حرفم داد پس از چندین ماه گفت برای تقاضای من ابطال آمده. گفتم برای چه؟ گفت: «گفتند تو مثلاً باید در شهر پرند یا پردیس ۵ سال ساکن باشی. من که با پدر و مادرم سال‌ها در یک محیط کوچک زندگی می‌کنم چگونه می‌توانم از چنین امتیازی استفاده بکنم». نتیجه اینکه باید قولنامه‌های صوری ساخته شود و به بازرس‌ها هم باج بدهند تا بتوانند چنین امری برای عده‌ای خاص و شاید رانتخواهر تحقق یابد. از پزشکی و بیمارستان که نرس. خدا نکند کار کسی به بیمارستان برای عمل بيفتند. آن هم در ایام تعطیل! حرف اول را میدان بیمارستان می‌زند، این قول‌ها و وعده‌های صدا و سیما. اولین حرف آنها این است که پول فراهم کن. آنچه حرف اول و آخر را می‌زند پول است و پول. هر شب در بیمارستان چند میلیون. آنچه بیشتر شنیده می‌شود: «ما با بیمه قرارداد نداریم. مسئولیت هر اتفاقی با خودت هست و باید امضا کنی! داروهای کم پیدا یا ناپیدا را خودت فراهم کن. تکنی از صنف نوبت خارج می‌شوی!». داروهایی که به زحمت به دست

در معرض PFAS قرار می‌گیرند و به طور معمول نسبت به سایرین سطوح بالاتری از این مواد شیمیایی در خونشان دارند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اهدای منظم خون یا پلاسما منجر به کاهش قابل توجه سطح PFAS در خون می‌شود. این اولین باری است که راهی برای کاهش سطح PFAS در خون پیدا می‌شود و این اتفاق تنها با یک عمل انسان‌دوستانه رخ داده است و نه با روش‌های بیمارستانی و درمان‌های دارویی.

